

پاکستان بی ثمر

درباره تعدد جشنواره‌های سینمایی که هیچ کارکردی ندارند



محسن سلیمانی فاخر منتقد

در سال‌های اخیر، کثرت جشنواره‌های سینمایی به پدیده‌ای بدل شده که بیش از آن که بازتاب‌دهنده پویایی فرهنگی باشد، نشانه‌ای از بی‌برنامگی، رزومساز و هدررفت منابع عمومی است. جشنواره‌هایی که با پشتوانه سازمان‌ها و نهادهای بودجه‌گیر شکل می‌گیرند، عملاً به ویتترین‌های کوچک و کم‌اثر تبدیل شده‌اند؛ که نه هویت دارند، نه سیاست‌گذاری روشن و نه حتی هدف‌گذاری مشخص. کارکرد اصلی آن‌ها اغلب به ثبت در بیان کاری مدیران ختم می‌شود؛ مدیرانی که چند صبحی بر مسند می‌نشینند و پیش از آن که تجربه‌ای شکل بگیرد یادستاوردی حاصل شود، جای خود را به مدیری دیگر می‌دهند. در این میان تنها خروجی این چرخه معیوب، مجموعه‌ای از لوح و تندیس است که به دست چند چهره تکراری می‌رسد؛ تکراری همان قدر که جشنواره‌ها تکراری‌اند. این حجم بی‌رویه از جشنواره‌ها در حالی هر سال تقویم فرهنگی را شلوغ می‌کند که حتی مهم‌ترین و تاریخی‌ترین جشنواره کشور، یعنی جشنواره فیلم فجر، پس از چهار دهه برگزاری منظم، هنوز فاقد یک مانیفست روشن و سازوکار حرفه‌ای است. فجر اگر چه تنها جشنواره جریان‌ساز کشور باقی مانده و گاه فیلمسازان جوانی را به سینمای حرفه‌ای معرفی کرده، اما باقی جشنواره‌ها به نسخه‌های فرعی و کم‌اهمیت از آن تبدیل شده‌اند؛ نسخه‌هایی با پسوندهای بلندبالا که بیشتر به نام سازمان حامی‌شان شناخته می‌شوند تا به هویت مستقل هنری. همین فقدان هویت سبب‌شده جشنواره‌ها اغلب به محلی برای اهدای جوایز به فیلم‌هایی بدل شوند که یا سال‌ها از زمان اکران‌شان گذشته، یا اساساً در چرخه سینمای حرفه‌ای اعتباری ندارند. این گونه است که اثری معمولی به ناگاه در چنین جشنواره‌هایی جایزه می‌گیرند که دریافت جوایز، نه بر مبنای کیفیت هنری، بلکه محصول خلأ فکری و سیاست‌گذاری سلیقه‌ای بوده است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های این جشنواره‌ها، نبود هرگونه نگاه راهبردی و بلندمدت است. مدیر از سر ذوق یا بنا به بیان دهی شیک و پرزرق‌وبرق سازمانی، تصمیم به برگزاری جشنواره‌ای تازه می‌گیرد؛ بدون مطالعه، بدون پژوهش، بدون هدف. برای این جشنواره‌ها چند نشست خبری برگزار می‌شود، چند سینماگر دعوت می‌گردد، چند عکس یادگاری ثبت می‌شود و چرخه تمام می‌شود. نتیجه این سازوکار «مقطعی و شخصی» چیزی جز هدررفت بودجه بیت‌المال نیست. وقتی جشنواره‌ای اساساً نمی‌داند برای چه به‌وجود آمده، چگونه می‌تواند خروجی واقعی تولید کند؟ حتی در حوزه‌هایی که موضوعاتی حساس و حیاتی در میان است؛ مانند محیط‌زیست، آسیب‌های اجتماعی یا عدالت فرهنگی، جشنواره‌ها فاقد هرگونه سازوکار جدی هستند. مثلاً عنوان جشنواره «محیط‌زیست» است، اما در آن حتی یک فیلم واقعی درباره محیط‌زیست یافت نمی‌شود و برگزارکنندگان با تحمیل موضوعی ساختگی، اثری نامرتب را به جشنواره الصاق می‌کنند. این عدم هم‌خوانی میان عنوان و محتوای جشنواره، خود نشانه‌ای روشن از بی‌هویتی و بی‌سامانی در برگزاری است. جشنواره‌ای که موضوعی را بیدک می‌کشد اما حتی یک اثر معتبر در آن حوزه ندارد، بیشتر به شوخی شبیه است تا رویداد فرهنگی. مهم‌ترین غفلت این جشنواره‌ها، ناتوانی در شناسایی و تربیت فیلمسازان جوان باشد. از دل صدها جشنواره ریز و درشت، حتی یک فیلمساز تازه‌نفس در حد متوسط هم معرفی نشده که بتوان او را در قامت یک «سعد روستایی درجه دو» به رسمیت شناخت. این جشنواره‌ها، نه کارگاهی آموزشی دارند، نه نظام حمایتی، نه برنامه مشخصی برای پرورش استعدادها و نه مهتر مخاطب‌پسند! دورهمی‌های دوستانه که شرکت‌کنندگان همان جایزه بگیران حاضرند. در همین حالی که جوانان تحصیل کرده، هنرجویان سینما در حسرت کمترین حمایت‌ها و فرصت‌ها، در سکوت و انزوا مانده‌اند. هزاران استعداد بالقوه، توان ساخت فیلم کوتاه و تجربه‌گرایی دارند اما امکان مالی ساخت حتی یک اثر چند دقیقه‌ای نصیب‌شان نمی‌شود. این بودجه‌های کلان بی‌اثر می‌توانست زمینه‌تولید فیلم‌هایی شود که شاید یکی از آن‌ها آینده سینمای ارگانی ایران را تغییر دهد. اما ترجیح سیستم چیز دیگری است، نه تولید و خلاقیت. این جشنواره‌ها، بیش از آنکه کمکی به سینمای ایران کنند، به مانعی ساختاری تبدیل شده‌اند. آن‌ها با تولید سابقه برای برخی، ایجاد ویتترین مدیریتی برای برخی دیگر و مصرف بی‌حاصل بودجه‌های عمومی، چرخه‌ای می‌سازند که نه فیلم خوب تولید می‌کند، نه استعداد تازه معرفی می‌کند، نه حتی گفتمانی قابل اعتنا در سینما خلق می‌کند. راه‌حل تنها در «کاهش جشنواره‌ها»، «ایجاد هویت مستقل»، «تخصیص بودجه به تولید» و «سازوکار واقعی برای حمایت از نسل جوان» است. وگرنه جشنواره‌های بی‌خاصیت، همچنان برگزار می‌شوند و سینمای ایران یک سال دیگر در همین دایره بسته می‌چرخد.

عکس: ایستنا

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه منتقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لینتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



تکرار کودتا علیه سرمر بی؟

تیم ملی ایران مقابل ازبکستان در شرایطی شکست خورد که بازیکن‌ها از پناالتی‌زدن امتناع کردند

گروه ورزش هم‌میهن: تیم ملی فوتبال ایران با وجود صعود زودهنگام و تاحدود بسیاری، بدون دردرس به جام جهانی ۲۰۲۶ آمریکا، اما حواشی را تجربه می‌کند که انگار هنوز درگیر «پلی‌آف» جام جهانی است. حواشی این تیم ملی با مربیگری امیر قلعه‌نویی چنان افزایش یافته که حتی شکست در ضربات پناالتی در یک بازی دوستانه هم جنجال‌آفرین می‌شود. تورنمنت العین که می‌توانست دستاورد قابل‌توجهی برای فوتبال ایران داشته باشد، با دو تساوی بدون گل مقابل دو تیم «کیپ ورد» و «ازبکستان» باعث شد تا بار دیگر انتقادهای بیش از پیش افزایش یابد. عجیب‌بودن نفرت پناالتی‌زن در دیدار دوم ایران مقابل ازبکستان محل بحث رسانه‌های ایرانی شد و در این گزارش قصد داریم علاوه بر بررسی حواشی ایجادشده، چالش پیش‌روی امیر قلعه‌نویی را نیز تحلیل کنیم؛ نیمی که به حالا بیش از همیشه لرزان به‌نظر می‌رسد.

▼ مصر را دودستی از دست دادیم

تیم ملی مصر در این تورنمنت حضور داشت و شاگردان امیر قلعه‌نویی این فرصت را داشتند که مقابل محمد صلاح و یارانش، یک دیدار دوستانه جذاب را برگزار کنند اما امیر قلعه‌نویی این پیشنهاد جذاب را رد کرد؛ چراکه تصور می‌کرد اگر در دیدار نخست مقابل مصر شکست بخورد، چنان حاشیه‌ای درست می‌شود که کل تورنمنت زیر سوال می‌رود و در دیدار رده‌بندی شاگردانش نتوانایی جمع کردن این حواشی را نخواهند داشت اما تحلیل ژنرال اشتباه از آب درآمد. چراکه ایران موفق شد کیپ ورد را شکست دهد اما از آن طرف ازبکستان با درخشش کم‌نظر اورونوف از سد مصر گذشت تا بار دیگر دیدار تکراری ایران و ازبکستان را در یک دیدار دوستانه شاهد باشیم. درواقع کادر فنی با یک تحلیل اشتباه، فرصت بازی با تیمی جدید از یک قاره دیگر را دودستی از دست داد!

▼ ازبکستان حالا گر به سیاه تیم ملی است

طی شش دیدار اخیر، تیم ملی ایران نتوانسته در دیدارهای رودرو مقابل ازبکستان، حتی یک برد به‌دست بیاورد. این درحالی است که ازبکستان طی سالیان اخیر بدون تعارف یکی از تیم‌های درجه دو آسیاست و هنوز نتوانسته خودش را با ایران، ژاپن، کره جنوبی و عربستان هم‌تراز کند. با این حال تیم ملی ایران طی شش دیدار اخیر نه‌تنها نتوانسته پیروزی‌ای مقابل رقیب دیرینه خود کسب کند، بلکه دو مسابقه اخیر را هم واگذار کرده است. فدراسیون فوتبال ازبکستان که نگاه بلندمدتی به رشد و توسعه فوتبال دارد، چندماه پیش قایبو کاناوارو را استخدام کرد. مربی‌ای که سابقه درخشانی در یوونتوس و تیم ملی ایتالیا به‌عنوان بازیکن دارد و حالا همین مربی نتوانسته سر و شکل قابل‌توجهی به‌لحاظ تاکتیکی به تیم ملی ازبکستان بدهد.

▼ توهین به مردم بعد از شکست

توقع این بود که بازیکنان تیم ملی ایران بعد از نمایش ضعیف در این تورنمنت از مردم عذرخواهی کنند؛ اتفاق مرسومی که در اکثر کشورها رخ می‌دهد اما بازیکنان تیم ملی نه‌تنها عذرخواهی نکردند، بلکه با لحنی طلبکارانه به مردم و خبرنگارها تاختند. شجاع خلیل‌زاده که چندروز پیش با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام‌اش نوشته بود: «بیشتر مردم از مغزشان استفاده نمی‌کنند»، این بار نیز در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت: «من قبلاً کپشن‌های به‌مراتب بدتر از این هم نوشتم. صفحه شخصی خودم است و هر چه دوست داشته باشم، منتشر می‌کنم». یکی از دلایلی که خبرنگاران قصد داشتند با خلیل‌زاده مصاحبه کنند، صحبت‌های اخیر مهدی طارمی، بعد از شکست مقابل ازبکستان بود که فاش کرد بازیکن‌ها از قصد، از پناالتی‌زدن مقابل ازبکستان امتناع کردند و دلیل‌اش را هم استرس یا مسائل دیگر عنوان کرد. خلیل‌زاده در پاسخ به این شائبه گفت: «من خودم دوست ندارم پناالتی بزنم و شما

هم نمی‌توانید در این باره از من سوال بپرسید. اگر بازیکن هم پناالتی زده، به من مربوط نیست. شما خبرنگارها و بخشی از مردم، چنان ما را تحت فشار گذاشته‌اید که ما همگی استرس داریم». درواقع خلیل‌زاده شکست مقابل ازبکستان را گردن مردم انداخت و اشتباهات فنی و ترس بازیکنان از پناالتی‌زدن.

▼ ماجرای مرور پناالتی‌ها

یکی از اتفاقات عجیب شکست مقابل ازبکستان، انتخاب پناالتی‌زن‌ها در ضربات پناالتی بود، جایی که علی علپویر و مهدی طارمی، هر دو مهاجم ایران، جزو پنج پناالتی‌زن اول ایران نبودند و میلاد محمدی دفاع چپ تیم ملی که حتی یک‌بار هم در دوران فوتبال خود پناالتی زده است، پشت آخرین ضربه پناالتی ایستاد و به بدترین شکل ممکن ضربه را زد و گلر ازبکستان گرفت. بعد از مسابقه، اما تصویری از قلعه‌نویی در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شده که نشان می‌دهد قلعه‌نویی از اینکه طارمی پناالتی پنجم را زده، شاک می‌شده است چراکه قرار بود طارمی پناالتی آخر را بزند اما به‌یک‌باره پناالتی به میلاد محمدی سپرده شد تا درنهایت او کار را به بدترین شکل ممکن انجام دهد. بیرانوند نیز روز گذشته بعد از بازگشت به ایران در جمع خبرنگارها، مردم را مقصر دانست و گفت، برخی از مردم به‌دنبال شکست تیم ملی هستند: «به‌نظر من برخی فقط دنبال این هستند که تیم ملی ببازد. همین فشار روانی باعث می‌شود بازیکن هنگام پناالتی، دچار استرس شود و به‌خاطر ترس از فضای مجازی تصمیم به زدن ضربه بگیرد. این فشارها حتی ممکن است آینده یک بازیکن را تحت‌تأثیر قرار دهد؛ چون اگر پناالتی را خراب کند، شاید دیگر نتواند به تیم ملی کمک کند».

▼ کودتای دوباره؟

یکی از اتفاقاتی که پیش از جام جهانی قبلی رخ داد، کودتای بازیکنان تیم ملی علیه دراگان اسکوچیچ بود که حتی کار به دیدار دو، سه بازیکن تیم ملی با نهاد ریاست‌جمهوری هم کشید. بازیکنان عقیده داشتند، باید کارلوس کی‌روش دوباره سرمربی تیم ملی ایران شود و اسکوچیچ در جام جهانی ۲۰۲۲ سرمربی ایران نباشد. همین اتفاق نیز افتاد و تیم ملی ایران با هدایت کی‌روش، شش گل از انگلیس خورد و مقابل آمریکا نیز تن به شکست داد تا با بدترین نتایج ممکن از قطر به ایران برگردد. حالا شواهد امر اینطور نشان می‌دهد که چینی پناالتی‌زن‌ها طوری قرار گرفته بود که درنهایت تیم ملی ایران شکست بخورد تا هجمه بیشتری روی کادر فنی قرار بگیرد و «دلیل» برای برکناری قلعه‌نویی ایجاد شده باشد. البته این موضوع را فعلاً نمی‌توان به‌طور حتم ثابت کرد، چراکه فدراسیون فوتبال با قاطعیت از کادر فنی حمایت کرده و یک دستیار ایتالیایی را کنار قلعه‌نویی قرار داده تا بعد از جام جهانی، احتمالاً او سرمربی جدید ایران باشد. آنچه مشخص است اینکه؛ امیر قلعه‌نویی در حال حاضر قدرت اصلی و برتر در تیم ملی نیست و اصلاً دست بالا را نیز در اختیار ندارد که بازیکن‌ها می‌توانند مثل آب‌خوردن، پناالتی‌زن را عوض کنند و سرمربی هم متوجه نشود.

پیش از برگزاری این تورنمنت، از سوی فدراسیون فوتبال اعلام شده بود که به دلایل سیاسی و در شرایط تحریم، بسیاری از تیم‌های خارجی حاضر به برگزاری دیدار تدارکاتی با تیم ملی ایران نیستند با این حال با اتخاذ تصمیمی اشتباه از سوی کادر فنی، تقابل شاگردان قلعه‌نویی با تیم ملی مصر که می‌توانست محک جدی پیش از جام جهانی لقب بگیرد منتفی شد. مصری‌ها با تیمی کامل به امارات سفر کرده بودند و این دیدار می‌توانست ماکت قابل‌توجهی از رقابتی احتمالی ایران از قاره آفریقا در جام جهانی پیش رو باشد. باید دید با چنین اتفاقاتی که بازیکن‌ها، دیگر از سرمربی‌شان حرف‌شنوی ندارند، تیم ملی می‌تواند در آینده نزدیک موفق شود یا خیر.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی

• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه منتقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لینتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

چهره

منع رضا رشیدپور از پلتفرم‌ها

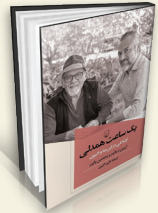
رضا رشیدپور، بازیگر و مجری سابق تلویزیون اعلام کرده که از هرگونه فعالیت کاری در پلتفرم‌ها منع شده است. او این خبر را بدون اینکه به علت و نهاد وضع‌کننده ممنوعیت اشاره کند، بیان کرده و همین ابهامات را برای افکار عمومی دوچندان کرده است. رشیدپور فعالیت در صداوسیما را سال ۱۳۸۷ با اجرای برنامه «مثلث شیشه‌ای» شروع کرد و از آن زمان تاکنون بارها توقف برنامه‌هایش یا ممنوع‌التصویری را تجربه کرده است. او که پنج‌سال در صداوسیما ممنوع‌التصویر بود، سال ۱۳۹۲ برنامه‌های انتخاباتی حسن روحانی را اجرا کرد و پس از پیروزی روحانی در انتخابات، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۲ دوباره به تلویزیون برگشت و سال ۱۳۹۶ هم با رئیس‌جمهور گفت‌وگو تلویزیونی کرد. رشیدپور در زمان انتخابات ۱۴۰۳ هم از حامیان مسعود پزشکیان بود و حتی در اوایل دولت چهاردهم مطرح شد که قرار است مشاور شورای عالی اطلاع‌رسانی دولت شود. آخرین برنامه تلویزیونی او «سسیم آخر» بود که سال ۱۴۰۰ منتشر شد. رشیدپور اخیراً قرار بود برنامه‌ای با موضوع جنگ ۱۲ روزه روی آنتن ببرد که آن نیز منتفی شد. او که به‌جز مجری‌گری و بازیگری، در حوزه کسب‌وکار نیز پرکار است، در توثیتی خبر ممنوع‌الکاری را خطاب به مسئولان اعلام کرده و نوشته، به‌رغم پنج‌سال ممنوعیت، قصد مهاجرت ندارد و در کشور نظاره‌گر تحولات خواهد بود.



کتابخانه

آخرین درس‌های یالوم

کتاب «یک ساعت همدلی» نتیجه همکاری پدر و پسر، اروین و بنجامین یالوم است که ضمن ارائه روایتی صمیمی از سال‌های پایانی فعالیت روان‌درمانگر برجسته، با نگاهی عمیق به مسائل اگزستانسیال، تنهایی، سوگ، عشق و جست‌وجوی معنا می‌پردازد. اروین یالوم، روانپزشک و نویسنده آمریکایی، پیش از این با آثار دانشگاهی و رمان‌های روانشناختی به‌ویژه «وقتی نیچه گریست» شناخته‌شده، اما کتاب «یک ساعت همدلی» سال‌های پایانی فعالیت او در ۹۰ سالگی را روایت می‌کند که با وجود افول حافظه، بار دیگر به جلسات یک‌ساعته مشاوره برمی‌گردد و دل به دغدغه‌های انسانی



یک ساعت همدلی

نویسنده: گان

اروین یالوم

و بنجامین یالوم

مترجم: نازی اکبری

انتشارات: ققنوس

می‌سپارد. اروین و بنجامین، با صداقتی بی‌رحمانه و نثری روان، نشان می‌دهند که حتی در محدودیت‌ها نیز می‌توان به عمق دل انسان نفوذ کرد و آن را شفا بخشید. این کتاب، وداعی آرام اما پرشور با عمر حرفه‌ای یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های روان‌درمانی قرن است و هم‌زمان هدیه‌ای ماندگار برای کسانی که به‌معنای زندگی، رابطه انسانی و ظرفیت دگرگونی باور دارند. روایت‌های «یک ساعت همدلی»، کوتاه اما پر از بینش، دگرگونی و شفابخشی‌اند که نشر ققنوس آن را در ۲۹۵ صفحه و به قیمت ۳۵۰ هزار تومان چاپ کرده است.

تاریخ

صلح در آنگولا



کشور آنگولا بیش از دودهه درگیر جنگ خونین داخلی بین نیروهای دولتی و جبهه ملی برای استقلال کامل آنگولا (UNITA) بود. در ۲۰ نوامبر ۱۹۹۴، امضای توافقنامه صلح در شهر لوساکا

در زامبیا به این جنگ داخلی ویرانگر پایان داد. یکی از علل اصلی شکل‌گیری این فرآیند صلح این بود که تا اواخر سال ۱۹۹۳، یونیتا می‌توانست در بیش از ۷۰ درصد از خاک آنگولا عملیات انجام دهد، اما موفقیت‌های نظامی دولت در سال ۱۹۹۴، یونیتا را مجبور به درخواست صلح کرد زیرا دولت کنترل ۶۰ درصد از کشور را به‌دست گرفته بود. درنهایت پروتکل لوساکا در ۳۱ اکتبر ۱۹۹۴ امضاء شد و به ادغام و خلع سلاح یونیتا و آغاز آشتی ملی انجامید. بعد از تلاش‌های بسیار سرانجام در ۱۹۹۵ دولت وحدت ملی آنگولا با شرکت وزیرانی از جبهه یونیتا تشکیل شد هر چند اختلاف بر سر کنترل چند منطقه الماس خیز در شمال شرقی آنگولا در اجرای آخرین مراحل قرارداد صلح در این کشور وقفه‌هایی ایجاد کرد. با کشته‌شدن جوناس ساویمبی، رهبر حزب یونیتا، توسط ارتش آنگولا در سال ۲۰۰۲، اعضای دیگر این حزب دست از مبارزه برداشتند و آنگولا به صلح پایدار رسید.